



« بنی آدم اعضای یک پیکرند » که در آفرینش ز یک گوهرند

نمایشگاه جمهوری اسلامی ایران
در شصتمین دوسالانه هنر ونیز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
IN THE NAME OF GOD

بنی آدم اعضای یک پیکرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار



بنو آدم جسد واحد
الی عنصر واحد عائد
إِذَا مَسَّ أَعْضَاؤُا أَلِیْمَ السَّقَامِ
فَسَائِرُ أَعْضَائِهِ لَا تَنَامُ

بنی آدم
عضو یک
پیکرند

هنر بدون مرز

بیانیه هنری نمایشگاه جمهوری اسلامی ایران
در شصتمین دوسالانه هنر ونیز

در چنین شرایطی، چگونه می‌توانستیم بی‌تفاوت بمانیم و سکوت پیشه کنیم؟! پس اگر «بنی‌آدم اعضای یک پیکرند»، باید زبان رسای هنر را به عنوان فریادی غضب‌آلود در اعتراض به این ظلم بی‌سابقه به کار می‌گرفتیم و با دست هنرمندان چیره‌دست و صاحب‌نام ایران اسلامی، گوشه‌هایی از ستمی که بر هم‌نوعانمان می‌رود را نمایان می‌ساختیم.

در غرفه ایران کوشیده‌ایم تا مرزهای قراردادی بین کشورها را برداریم و از دریچه انسانیت، بخشی از لحظه‌های اندوهناک تاریخ این روزهای بشریت را به تماشا بنشینیم؛ گاه با آثار تجسمی که نوآورانه و خلاقانه حرف‌هایی تازه برای گفتن دارند، گاه با چیدمانی که مخاطب را در موقعیتی متفاوت قرار می‌دهد، گاه با فناوری واقعیت مجازی که پدیده‌های فیزیکی را به چالش می‌کشد و گاهی با تالو تصویر در هنر آینه‌کاری ایرانی که همچون درخشش ستارگان در میانه کهکشان‌ها، نور امید را برای روزگاری بهتر، بر تاریکی‌های امروز دنیا می‌تاباند. البته همه اینها، نمونه‌های کوچکی از هنر هنرمندان ایرانی است که مرزها را شکسته‌اند و پیامی است از وارثان تمدن هشت هزارساله ایران که بر دیوارهای بنایی در شهر کهن ونیز برنشسته‌اند. و آن روز فرا خواهد رسید که رنج‌ها و ظلم‌ها به پایان خواهد رسید؛ مرزهای غیرواقعی فرو خواهد ریخت و همه انسان‌ها یک امت واحد خواهند شد، به گرد منجی حقیقی آخرالزمان.

محمد خراسانی‌زاده

رئیس غرفه ایران در شصتمین دوسالانه هنر ونیز

ما انسان‌ها فرزندان آدم و حوا، همه از یک ریشه و یک خانواده‌ایم و برادران و خواهران یکدیگر محسوب می‌شویم. شادی‌ها و غم‌هایمان مشترک است؛ اندوه و درد و ستم دیدن هر ملتی برایمان تلخ است و موفقیت و شادکامی هر ملتی بدون تضییع حقوق دیگران، برای همه شادی‌آفرین خواهد بود؛ چنان که شاعر ایرانی، سعدی شیرازی چنین سروده است:

بنی‌آدم اعضای یک پیکرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

شعار «خارجی‌ها همه‌جا» در شصتمین دوسالانه هنر ونیز، زمینه مناسبی را فراهم کرد که جمهوری اسلامی ایران، عنوان «بنی‌آدم اعضای یک پیکرند» را برای نمایشگاه رسمی خود برگزیند تا یادآوری نماید که به دور از هیاهوهای رسانه‌ای، هنری دارای ارزش والاتری است که شأن انسان‌ها را محترم بشمارد، عدالت و شرافت و انصاف را به روشنی ترسیم نماید و به راحتی از کنار تلخ‌کامی سایر انسان‌ها نگذرد.

این روزها، کام همه جهانیان، از آن چه بر مردم مظلوم و مقتدر فلسطین می‌گذرد، تلخ شده است. در این نقطه از دنیا، جنایاتی شگرف در حال وقوع است که بهتر است نام آن را نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت بگذاریم؛ کودکان بی‌پناه فلسطینی، تنها به جرم این که در سرزمین مادری‌شان به دنیا آمده‌اند و فقط به این علت که فلسطینی هستند، روزهایشان را با بمب، موشک، کشتار، گرسنگی و آوارگی به شب می‌رسانند و شب‌هایشان را با ترس و واهمه می‌گذرانند.



وقایعی وجود دارد
که احساس و ادراک می‌شود
اما قابل بیان نیست.
وظیفه هنرمند
بازنمایی آن موقعیت است



حولنا ما یمکن أن نشعر به،
ولكن لانستطیع التعبير عنه،
هنا بالضبط تكمن الحاجة
للفن والفنان

والایی

در سرزمینی که برای صلح آفریده شد

«هنرمند به جای همه آنان سخن می‌گوید که قادر به سخن گفتن نیستند.» این کلام آندره تارکوفسکی سینماگر نامدار روس است که هنرمند را به مثابه یک پیامبر می‌داند؛ چرا که هنرمند «زیبایی» را همراه با آیین‌های اخلاقی می‌آفریند. اما آنجا که هنرمند قادر به سخن گفتن نیست، تکلیف چه خواهد بود؟ آنجا که موضوع بزرگتر از توان داشته‌های هنرمند است، چه باید کرد؟ فرض کنید نویسنده‌ای، نقاشی یا فیلم‌سازی؛ بخواهد عظمت و اندوه و ایثار مردم غزه را بیان کند. چنین چیزی شدنی است؟ هنرمند و نویسنده هر چه بکوشد، نمی‌تواند اقیانوس این واقعه را آن‌گونه که رقم خورده در ظرف هنر و کلام بریزد. با این همه، آموزه‌های ما تعریفی جامع‌تر از هنر ارائه می‌دهد و افعال بلندمرتبه‌ای را برابر با هنر می‌داند. در آرمان‌شهر فلاسفه غرب و شرق و نگاه فیلسوفان اسلامی، هنری ارزشمند است که فضایل والا به همراه داشته باشد و این فضایل همان است که در شهادت این نظرکرده‌های بهشت خداوند، به زیباترین شکل نمایان شده است. آیا در شهادت هزاران کودک معصوم غزه چیزی جز این دیده می‌شود که به «والایی» رسیده‌اند؟

این همان تفاوت «امر جمیل» و «امر جلیل» و به تعبیری «هنر زیبا» و «هنر والا» است که در اندیشه فلاسفه‌ای چون لیوتار مطرح شده است. از سخن این اندیشه‌گر قرن بیستم چنین بر می‌آید که «وقایعی وجود دارد که احساس و ادراک می‌شود اما قابل بیان نیست. وظیفه هنرمند بازنمایی آن

موقعیت است». این نظریه، توصیف تجربه‌های نامتناهی مانند ایمان، امید، شکوه، شگفتی، ستایش، هراس، مرگ و ... را شامل می‌شود و به امور فراموش‌ناشدنی، تاب‌نیاوردنی و از همه مهم‌تر تفکربرانگیز اشاره دارد.

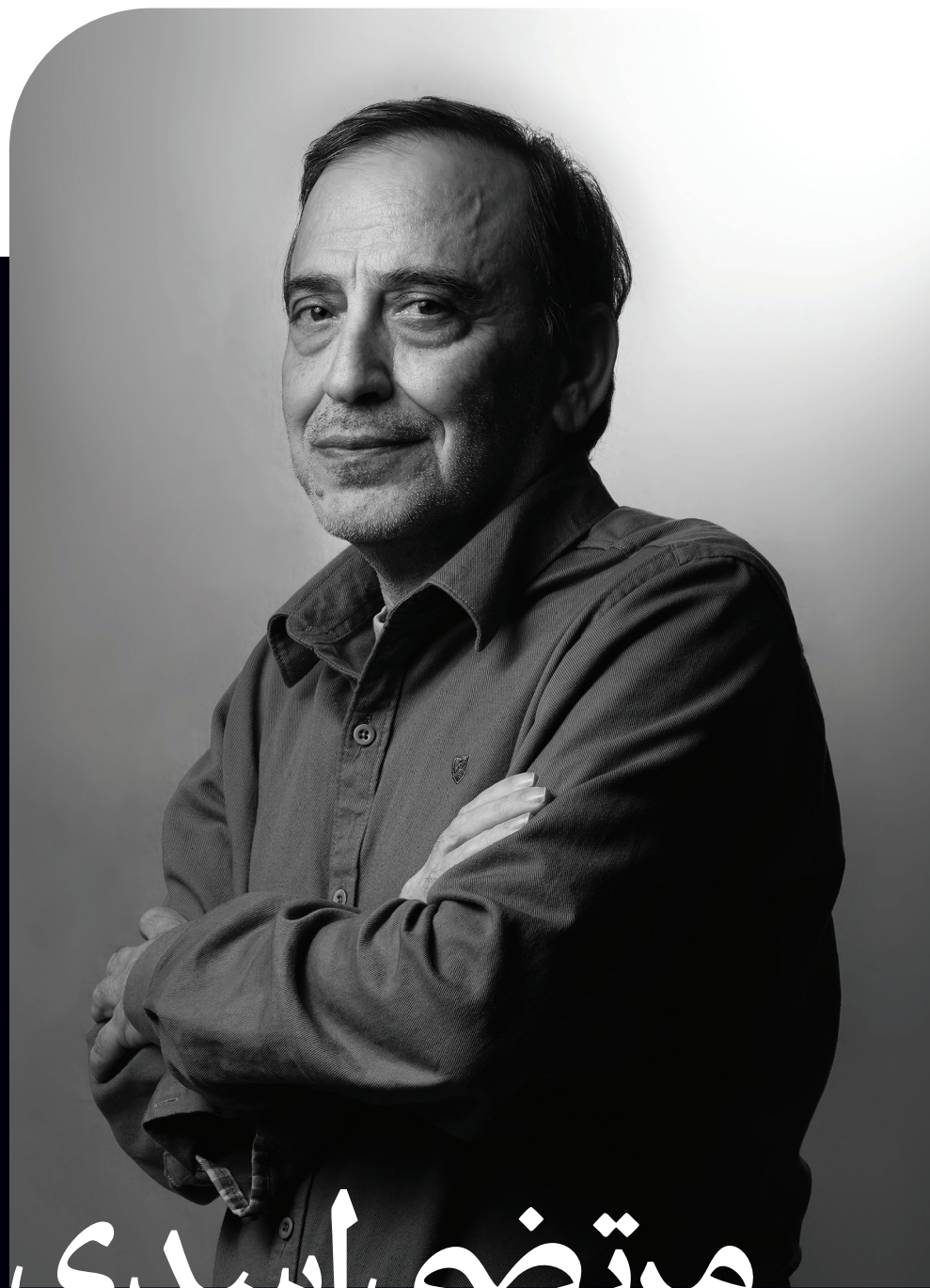
از نظر لیوتار «امر والا» در نمایش امور نمایش‌ناپذیر معنا می‌یابد و به تصویرگری نوعی از احساس می‌پردازد که تخیل انسان قادر به درک عظمت و قدرت آن نیست.

از این منظر است که هنر نقاشان صاحب‌نامی چون مرتضی اسدی، کاظم چلیپا، غلامعلی طاهری، عبدالحمید قدیریان و مصطفی گودرزی اهمیت مضاعفی دارد و تجربه ناب‌ی از زیباشناختی «هنر والا» را به نمایش می‌گذارد. بازنمایی عنصر ناب هنری، یکی از سه موضوعی است که «کاندینسکی» لازمه شکل‌گیری هر اثر هنری می‌داند. این نقاش و نظریه‌پرداز هنر، شرط دیگر را چنین می‌داند که هنرمند، فرزند زمانه خودش باشد و اثر او بازتاب کاملی از تجربه‌هایش را منعکس کند. دارا بودن بیان و سبک فردی سومین خصوصیت اثر هنری از دیدگاه کاندینسکی است. سه ویژگی مهمی که در آثار این هنرمندان نقاش نمایان است تا تصویری از «والایی» را به کودکان غزه تقدیم و به آیندگان منتقل کند.

امیر عبدالحسینی

مدیر هنری، پژوهشگر و مدرس هنر

کیوریتور ارشد ایران در شصتمین دوسالانه هنر ونیز



مرتضی اسدی

M o r t e z a A s a d i

Morteza Asadi
(b. 1957, Tehran, Iran)

Morteza Asadi is a prominent Iranian painter. After receiving his BFA in Painting from the Faculty of Fine Arts at the University of Tehran, he pursued his postgraduate studies in Illustration at the same university. Then, he went to Paris-Sorbonne University to study for a Ph.D. in Art History and Islamic Art Archeology. However, he dropped out of school and returned to Iran to finish his Ph.D. in Art Research at Shahed University.

As a designer and painter, Asadi has participated in many group and solo exhibitions in Iran and internationally, including a solo exhibition in the Cité Internationale des Arts; he is the third-prize winner of postage stamp design on the occasion of the 45th anniversary of the Universal Declaration of Human Rights in Tokyo and the prizewinner of the Islamic World Painting Biennial. He is a faculty member of the Shahed University of Arts and a member of the Association of Iranian Painters (AIP). He has been the secretary and jury member of numerous art festivals and events, supervisor and advisor of academic dissertations, and has cooperated with academic art publications.

مرتضی اسدی
متولد ۱۳۳۶ / تهران

پس از اخذ دیپلم وارد دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران شد و بعد از پایان مقطع کارشناسی رشته نقاشی، کارشناسی ارشد خود را در رشته تصویرسازی از همان دانشگاه دریافت کرد. سپس برای مقطع دکترای تاریخ هنر و باستان‌شناسی هنر اسلامی، راهی دانشگاه سوربن فرانسه (پاریس ۴) شد، اما بعد از مدتی آن را ناتمام گذاشت و به ایران بازگشت و دکترای خود را در رشته پژوهش هنر دانشگاه شاهد به پایان رساند.

حضور در بسیاری از نمایشگاه‌های داخلی و خارجی از جمله نمایشگاه انفرادی گالری شهرک بین‌المللی هنرمندان پاریس، برنده سوم طراحی تمبر پستی به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد اعلان جهانی حقوق بشر توکیو، برگزیده دوسالانه نقاشی جهان اسلام، عضو هیأت علمی دانشکده هنر دانشگاه شاهد، استاد راهنما و مشاور ده‌ها پایان‌نامه، عضویت در انجمن نقاشان ایران، دبیر و داور جشنواره‌ها و رویدادهای متعدد هنری، همکاری با نشریات هنری و ... را می‌توان در کارنامه این طراح و نقاش مشاهده کرد.

جز قلبش چیزی نیافتند

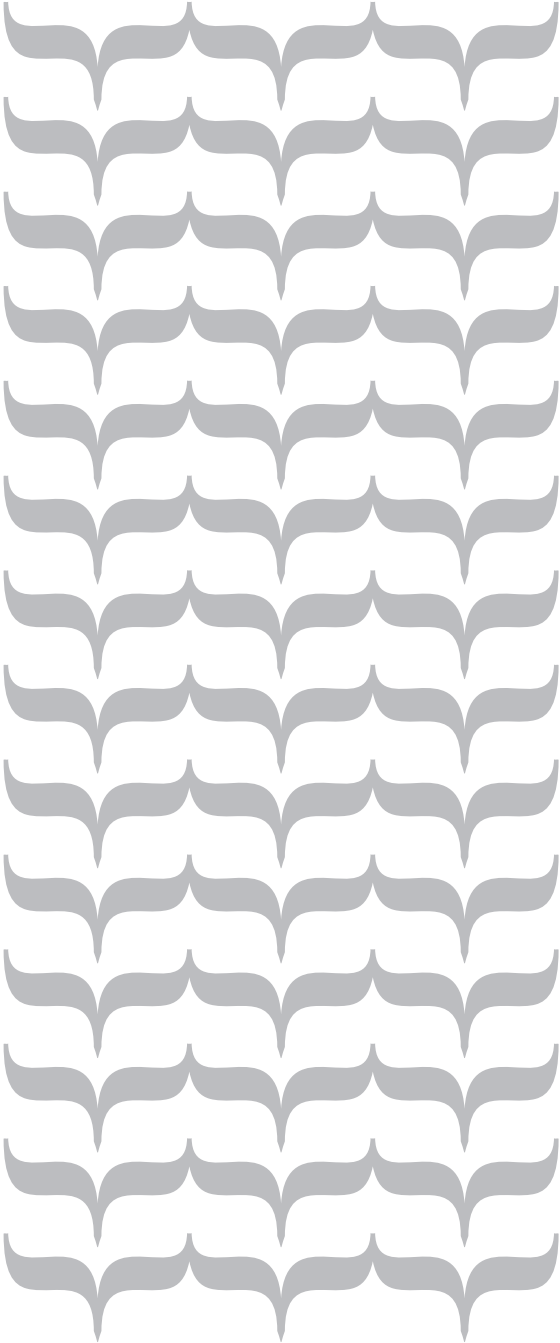
سینه‌اش را تفتیش کردند
و جز قلبش چیزی نیافتند
قلبش را تفتیش کردند
غیر ملت‌اش چیزی نیافتند
صدایش را تفتیش کردند
به غیر اندوهش چیزی نیافتند
اندوهش را تفتیش کردند
جز زندانش چیزی نیافتند
زندانش را تفتیش کردند
جز خودشان را در بند نیافتند
و شب، شب بود
و آوازخوان، آواز می‌خواند ...

لم یجدوا غیر قلبه

وقد فُتِّشوا صدرَه
فلم یجدوا غیر قلبَه
وقد فُتِّشوا قلبَه
فلم یجدوا غیر شعبَه
وقد فُتِّشوا صوتَه
فلم یجدوا غیر حزنَه
وقد فُتِّشوا حزنَه
فلم یجدوا غیر سجنَه
وقد فُتِّشوا سجنَه
فلم یجدوا غیرهم فی القیود ...
وكان المساءُ مساء
وكان المغنّی یغنّی ...

محمود درویش





E gli hanno cercato nel petto,
Ma poteva solo trovare il suo cuore,
E hanno cercato il suo cuore,
Ma poteva solo trovare la sua gente,
E hanno cercato la sua voce,
Ma poteva solo trovare il suo dolore,
E hanno cercato il suo dolore,
Ma poteva solo trovare la sua prigionia,
E cercato la sua prigionia,
Ma potevano vedere solo se stessi in catene,
E la sera è solo un'altra sera,
E il cantante canta...

Ma riuscì solo a trovare il suo cuore

Mahmoud Darwish

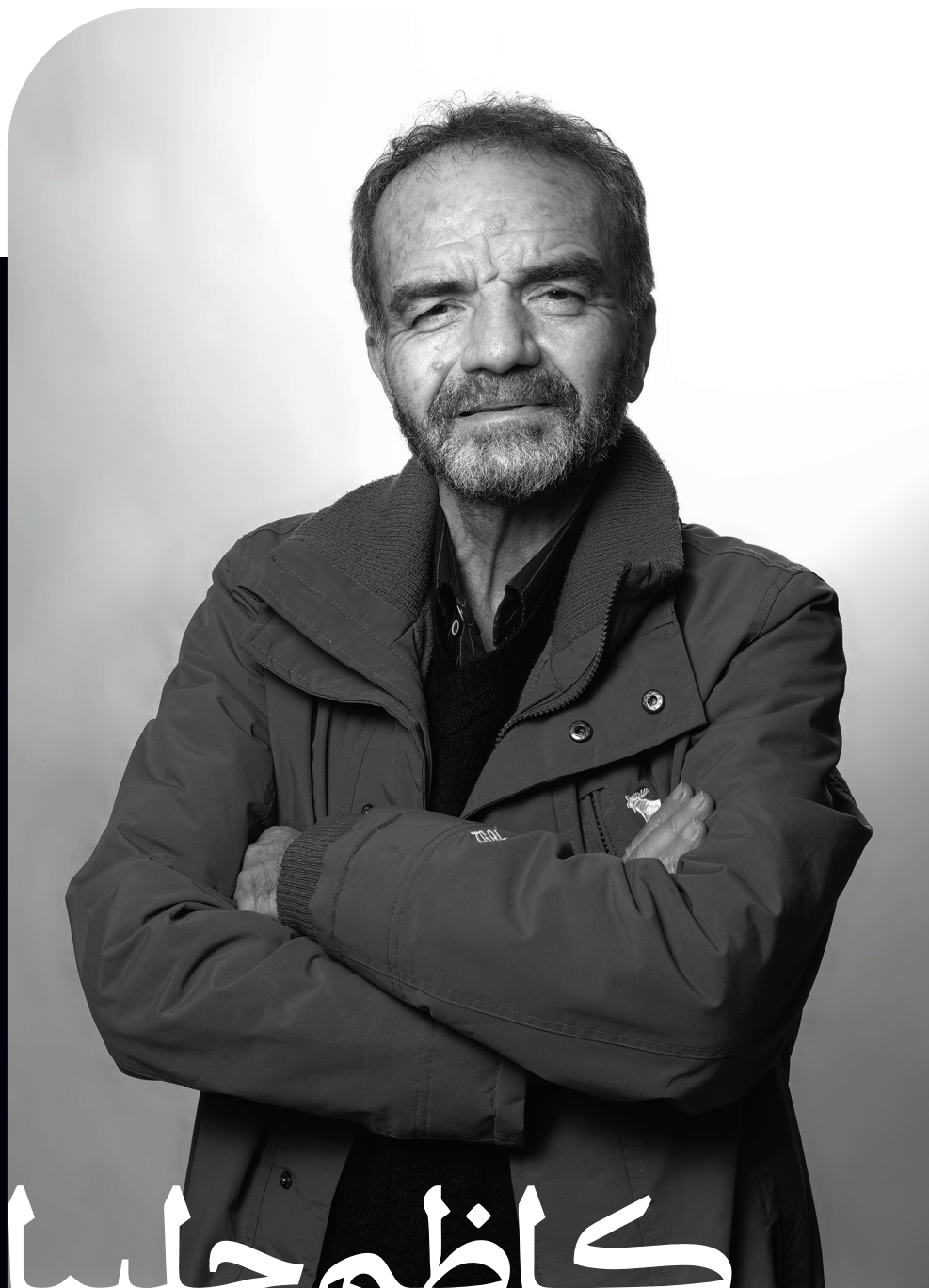
And they searched his chest,
But could only find his heart,
And they searched his heart,
But could only find his people,
And they searched his voice,
But could only find his grief,
And they searched his grief,
But could only find his prison,
And they searched his prison,
But could only see themselves in chains,
And the evening is just another evening,
And the singer croons...



Morteza Asadi, acrylic on canvas, 140X100 Cm, winter 2023-24
Morteza Asadi, Acrilico su tela, 140X100 cm, Inverno 2023-24

© Nam Art & Cultural organization

But Could Only Find His Heart



کاظم چلیپا

K a z e m C h a l i p a

Kazem Chalipa
(b. 1957, Tehran, Iran)

Kazem Chalipa is a renowned Iranian artist. He started his art education at the School of Fine Arts in Tehran. He received his MFA in Painting from the University of Tehran, Faculty of Fine Arts, and completed his Ph.D. in Art Research at Shahed University of Arts. His father, the late Hasan Ismail Zadeh (Chalipa), was among the last Coffee House Painting movement artists.

Chalipa has participated in international exhibitions and received awards such as the Golden Brush Awards in Japan; he has been a university lecturer and participated in numerous art events as a jury member. He is a faculty member of the Shahed University of Arts and the supervisor of academic theses. "The Sky of Chalipa" and "The Color of Imagination" are two documentary films based on the artist's life and works.

کاظم چلیپا
متولد ۱۳۳۶ / تهران

تحصیلات هنری‌اش را از هنرستان هنرهای زیبا آغاز کرد و تا کارشناسی ارشد نقاشی در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران ادامه داد و با مقطع دکتری در رشته پژوهش هنر دانشگاه شاهد به پایان رساند. پدرش حسن اسماعیل‌زاده (چلیپا) از آخرین هنرمندان مکتب خیالی‌سازی (قهوه‌خانه‌ای) بود. حضور در ده‌ها نمایشگاه انفرادی و گروهی داخلی و خارجی، مقام برگزیده نمایشگاه بین‌المللی ظریفه ژاپن و دریافت قلم‌موی زرین، تدریس در مراکز آموزشی، عضویت در هیأت داوران رویدادهای متعدد هنر، عضو هیأت علمی دانشکده هنر دانشگاه شاهد، استاد راهنمای پایان‌نامه‌های تحصیلی و ... از دیگر سوابق این نقاش صاحب‌نام به شمار می‌رود. او همچنین به عنوان یکی از چهره‌های شاخص هنر معاصر ایران، موضوع مقالات، پایان‌نامه‌ها و آثار هنرمندان دیگر بوده است. «آسمان چلیپا» و «به رنگ خیال»، عنوان دو فیلم مستندی است که بر اساس زندگی و آثار این هنرمند ساخته شده است.

بیت و للبت نافذتان و باب

علی شاطی البحر بنت
وللبت أهل
وللأهل بیت

وللبیت نافذتان و باب...
وفي البحر بارجة تتسلى
بصید المشاة علی شاطی البحر:
أربعة، خمسة، سبعة
يسقطون علی الرمل...

فتصرخ في لیل بّري،
لا صدی للصدی
فتصیر هي الصرخة الأبدية في خبر عاجل،
لم يعد خبراً عاجلاً
عندما

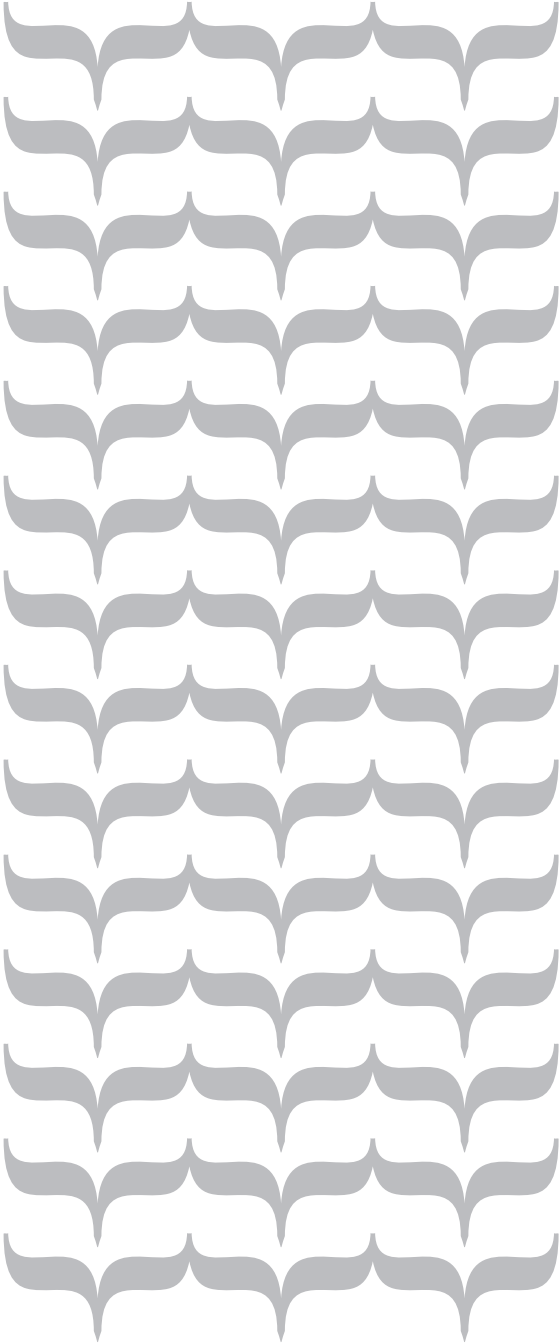
عادت الطائرات لتقصف بیتاً بنافذتين و باب!

محمود درویش

خانه ای که یک درد دارد و دو پنجره

روی ساحل دخترکی است
و برای دخترک، خانواده ای
و برای خانواده، خانه ای
و خانه دو پنجره دارد و یک در ...
روی دریا ناوچه ای است
سرگرم شکار رهگذرانی
که بر ساحل قدم می زنند:
چهار، پنج، هفت
بر ساحل فرو می غلتند...
جیغ دخترک از ساحل فراتر می رود
فراتر از شبی کویری،
اما پژواکی وجود ندارد
دخترک فریادی ابدی می شود
در اخبار فوری
که اکنون دیگر فوری نیست،
زیرا هواپیماها بازگشته اند
تا بمباران کنند
خانه ای که یک در دارد و دو پنجره!





In riva al mare c'è una ragazza,
e la ragazza ha una famiglia,
e la famiglia ha una casa.
E la casa ha due finestre e una porta,
E nel mare c'è una nave da guerra che si diverte,
catturando i passeggiatori in riva al mare:
Quattro, cinque, sette
Cadono sulla sabbia...
E lei urla nella notte selvaggia,
Nessuna eco eco
Diventa il grido eterno delle notizie urgenti.
Non è più una notizia dell'ultima ora
Quando
Gli aerei tornarono per bombardare
una casa con due finestre e una porta!

Una casa con due finestre e una porta

Mahmoud Darwish

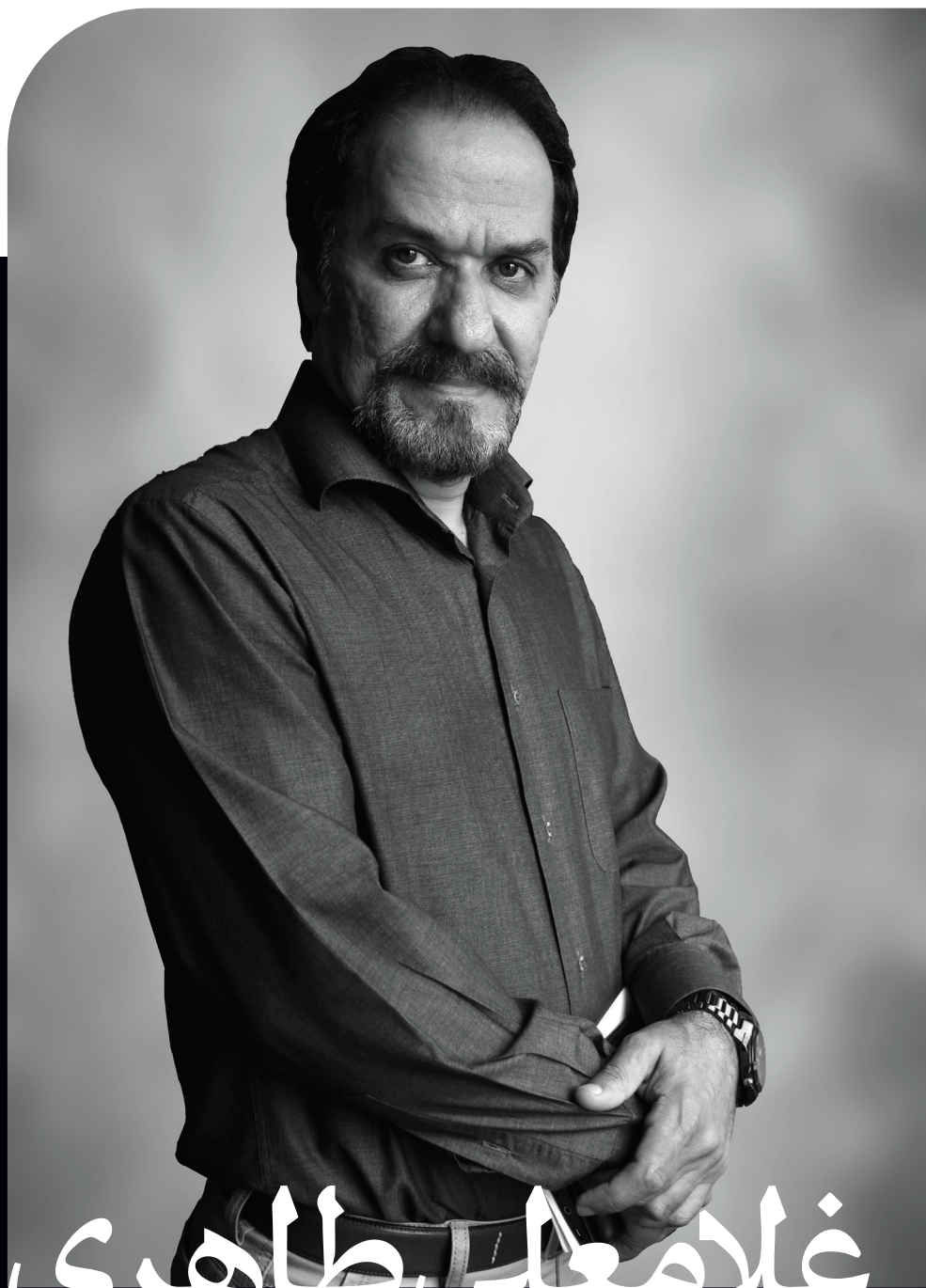
On the seashore is a girl,
and the girl has a family,
and the family has a house.
And the house has two windows and a door,
And in the sea is a warship having fun,
catching promenaders on the seashore:
Four, five, seven,
fall down on the sand.
Her voice carries her higher and
further than the seashore.
She screams at night over the land,
The echo has no echo
so she becomes the endless scream
in the breaking news
which was no longer breaking news
when the aircraft returned to bomb
a house with two windows and a door.



Kazem Chalipa, oil on canvas, 140X100 Cm, winter 2023-24
Kazem Chalipa, olio su tela, 140X100 cm, Inverno 2023-24

© Nam Art & Cultural organization

A House with Two Windows and a Door



غلام‌علی طاهری

G h o l a m A l i T a h e r i

Gholam Ali Taheri
(b. 1956, Tehran, Iran)

Gholam Ali Taheri is an Iranian prominent artist. He has an MFA in Painting from the Faculty of Fine Arts, University of Tehran. He is the co-founder of Shahed University. In the art, cultural, and scientific arena, Taheri has had influential positions as the Tehran Museum of Contemporary Art President, the Deputy Dean of Shahed University, jury member in art competitions, co-founder of the Iranian Scientific Association of Visual Arts, etc.

Taheri has been active in the art scene by presenting specialized lectures and participating in numerous solo and group exhibitions in Iran and Internationally. He has won many awards, including the selected artist of the Fine Art Original and participation in the 53rd Venice Biennial.

غلامعلی طاهری
متولد ۱۳۳۵ / تهران

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد نقاشی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است. او از مؤسسان دانشکده هنر دانشگاه شاهد بوده و در عرصه علمی- هنری و فرهنگی کشور در جایگاه‌هایی همچون مدرس دانشگاه‌ها و مراکز عالی آموزشی، ریاست موزه هنرهای معاصر تهران، قائم مقام دانشکده هنر دانشگاه شاهد، عضو هیأت مؤسس و هیأت امنای انجمن هنرهای تجسمی ایران، عضویت در هیأت‌های داوری، شوراهای راهبردی، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری ده‌ها جشنواره و رویداد هنری و ... حضوری فعال داشته است. حضور در نشست‌های علمی و ارائه سخنرانی‌های تخصصی در عرصه هنرهای تجسمی، برپایی ده‌ها نمایشگاه انفرادی، حضور در نمایشگاه‌های گروهی داخلی و خارجی و شرکت در رقابت‌های هنری، تقدیر دومین و سومین دوسالانه نقاشی، هنرمند برگزیده سایت بین‌المللی The fine art original، حضور در پنجاه و سومین دوسالانه ونیز و ... از دیگر مواردی است که در سابقه این هنرمند دیده می‌شود.

هناك، عندما تنتهي النظرات

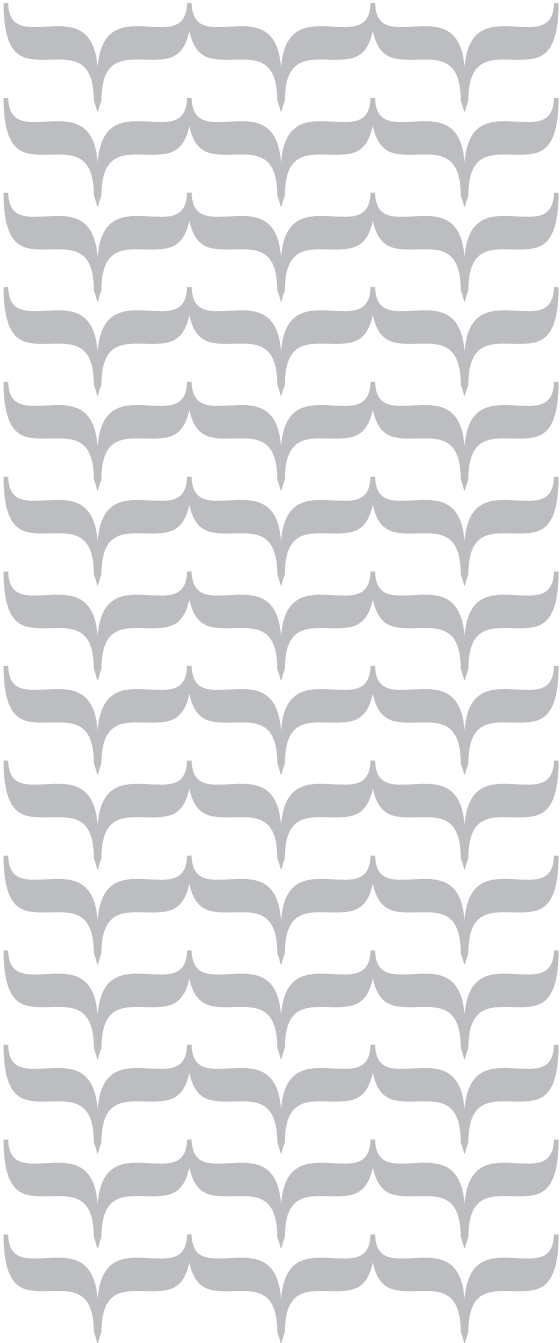
لنا أخوة خلف هذا المدى
أخوة طيبون، يحبوننا،
ينظرون إلينا و يبكون،
ثم يقولون في سرهم:
« ليت هذا الحصار هنا علنيّ... »
ولا يكملون العبارة:
« لا تتركونا وحيدين... لا تتركونا... »

محمود درويش

آنجا که نگاه پایان می گیرد

برادرانی داریم
دوستان می دارند
تماشايمان می کنند
می گریند
و در خلوت خود می گویند:
« ای کاش این محاصره اینجا... »
کلام در گلو می ماند
و پایان نمی گیرد.
« رهایمان نکنید
تنهایمان نگذارید.. »





Abbiamo dei fratelli dietro questa distesa.
Ottimi fratelli, ci amano, ci guardano, piangono.
Poi di nascosto si dicono:
“Ah! Se questo assedio fosse stato dichiarato...”
non finiscono la frase:
“Non abbandonarci, non andartene”.

Dove finiscono gli sguardi

Mahmoud Darwish

We have brothers behind this expanse.
Excellent brothers, they love us, they watch us,
they weep.
Then in secret they tell each other:
“Ah! If this siege had been declared...”
they do not finish their sentence:
“Don’t abandon us, don’t leave.”



Gholam Ali Taheri, oil on canvas, 140X100 Cm, winter 2023-24
Gholam Ali Taheri, olio su tela, 140X100 cm, Inverno 2023-24

© Nam Art & Cultural organization

Where the
Looks End



عبدالحميد قديران

Abdolhamid Ghadirian

Abdolhamid Ghadirian
(b. 1960, Tehran, Iran)

Abdolhamid Ghadirian is a renowned Iranian artist. He has a BFA in Painting from the Faculty of Fine Arts of Tehran University and an MFA in Painting from the Art University of Tehran. Besides painting, Ghadirian has presented numerous sculptures, stage and costume designs, and documentary productions. Ghadirian has designed sets and costumes for many movies and television series, for which he received a Crystal Simorgh in the International Fajr Festival for the Saint Mary series. The House of Cinema awarded him for costume and scene design for The Kingdom of Solomon.

Among his activities are the art direction of the construction of the Museum of Tehran and the art direction of the closing ceremony of the 20th International Fajr Film Festival. He has also been a jury member of the International Fajr Film Festivals and executive director of the first Women's Olympics opening ceremony. Ghadirian has compiled many books and published numerous articles, holding solo and group exhibitions in Iran and internationally.

عبدالحمید قدیریان
متولد ۱۳۳۹ / تهران

فارغ التحصیل کارشناسی نقاشی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و کارشناسی ارشد نقاشی از دانشگاه هنر است. او در طی سال‌های فعالیت هنری خود علاوه بر نقاشی، در رشته‌های مجسمه‌سازی، چهره‌پردازی، طراحی صحنه و لباس و ساخت مستند هم آثار متعددی را ارائه کرده است.

این هنرمند تاکنون طراحی صحنه و لباس ده‌ها فیلم سینمایی و سریال تلویزیونی را بر عهده داشته که در آن میان سریال «مریم مقدس» موفق به دریافت تندیس بلورین و لوح تقدیر جشنواره بین‌المللی فجر شد.

او همچنین دو تندیس ویژه از خانه سینما برای طراحی لباس و طراحی صحنه فیلم ملک سلیمان نبی(ع) دریافت کرده است. مدیریت هنری ساخت موزه تهران‌شناسی، عضو شورای داوران جشنواره فیلم فجر، مدیر اجرایی افتتاحیه اولین المپیک بانوان، تألیف کتاب و چاپ مقالات متعدد، برگزاری نمایشگاه‌های انفرادی و گروهی داخلی و خارجی و ... از دیگر فعالیت‌های هنری قدیریان است.

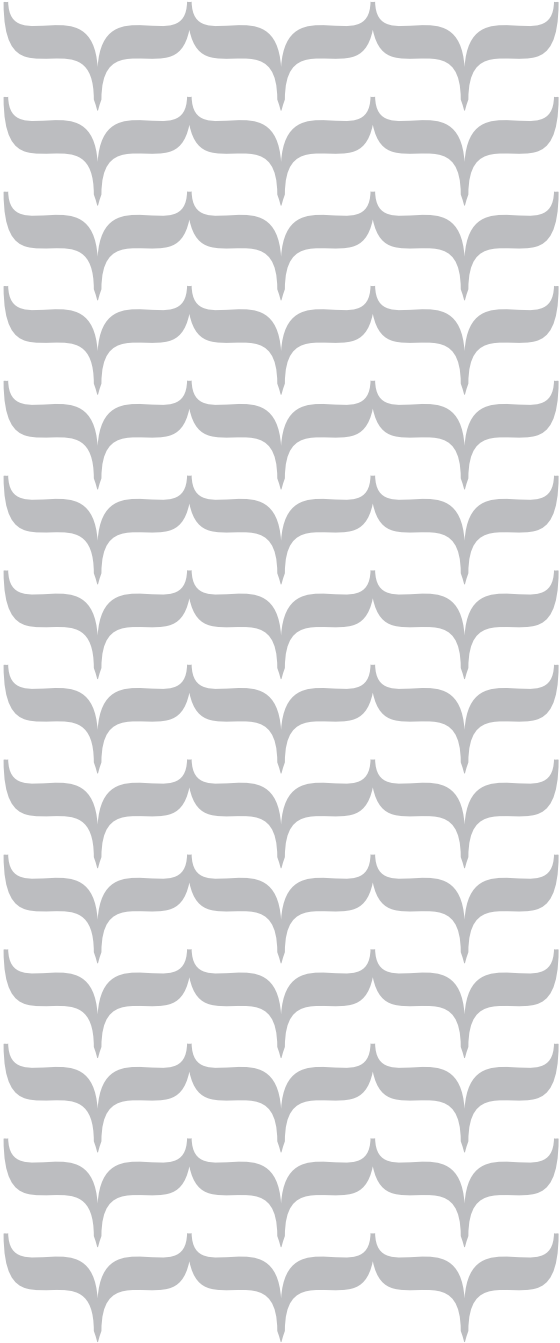
کَرَمُ اللَّهِ وجه الشَّهيد

نعزي أبا بابنه:
«كَرَمُ اللَّهِ وجه الشهيد»
و بعد قليل،
نهنئه
بوليد جديد.
محمود درویش

سلام خُداوند بر فرزند شهیدت

در محضر پدر،
به سوگ پسر نشسته ایم؛
«سلام خداوند بر فرزند شهیدت»
اندکی دیگر
میلاد یکی کودک را
شادباش می گوئیم.





Siamo in lutto per il figlio,
alla presenza del padre:
Dio benedica il tuo figlio martire,
E poco dopo,
congratulati con lui per la nascita di un altro
bambino.

Dio benedica il tuo figlio martire

Mahmoud Darwish

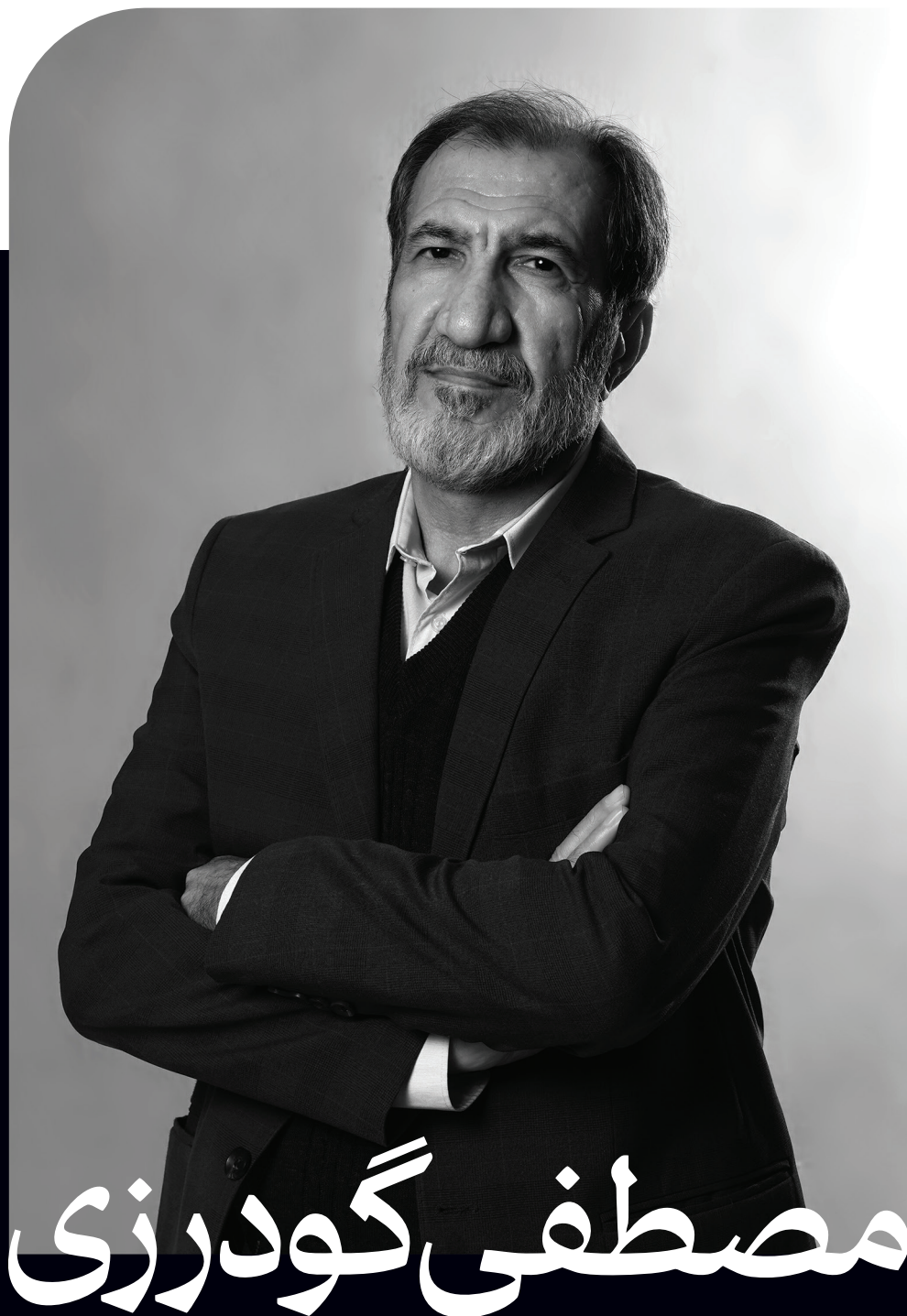
We are mourning for the son,
in the presence of his father:
May God bless your martyred child,
And shortly after,
congratulate him on the birth of another baby.



Abdolhamid Ghadirian, oil on canvas, 140X100 Cm, winter of 2023-24
Abdolhamid Ghadirian, olio su tela, 140X100 cm, inverno 2023-24

© Nam Art & Cultural organization

May God Bless Your Martyred Child



مصطفی گودرزی

M o s t a f a G o u d a r z i

Mostafa Goudarzi
(b. 1960, Borujerd, Iran)

Mostafa Goudarzi is an Iranian artist and art researcher. After receiving his BFA in Painting from the Faculty of Fine Arts at Tehran University, he went to France and received his MFA in visual arts from Rennes University in France. Then, he simultaneously attended and completed two Ph.D. courses: Visual Arts at the University of Rennes and Art History at Paris 1 Panthéon-Sorbonne University. After returning to Iran, he became a member of the Faculty of Fine Arts at Tehran University. He is now Professor of the Higher Education Department. In addition to painting, he has been active in graphic design, making documentary films, research, translating and compiling books. He has an active presence in various art-science and cultural institutions, among which the following can be mentioned: the dean of the Visual Arts Department in the Faculty of Fine Arts at Tehran University; the head of the Visual Arts Department of the Iranian Academy of Art; Art advisor to the Tehran Museum of Contemporary Art; designer and consultant in several national and international exhibitions; jury member of competitions and art events; art director of specialized conferences as well as national and international art fairs; editor of several specialized art publications, etc. Compiling books, translating, and doing research, are among his other activities. His articles have been published in many domestic and international magazines. Goudarzi has participated in many solo and group exhibitions and competitions in Iran and internationally and has won many awards, including an Honorary Diploma from the Moscow International Biennale of Graphic Design.

مصطفی گودرزی
متولد ۱۳۳۹ / بروجرد

پس از اخذ مدرک کارشناسی نقاشی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و کارشناسی ارشد خود را از دانشگاه رن فرانسه در رشته «هنرهای تجسمی» دریافت کرد. سپس در دو دانشگاه و به صورت همزمان، در مقطع دکتری تحصیل کرد: در دانشگاه رن، دکترای «هنرهای تجسمی» را اخذ کرده و از دانشگاه پاریس ۱، پانتئون سوربن، دکترای «تاریخ هنر» را گرفت. پس از بازگشت به ایران با عضویت در هیأت علمی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، به تدریس مشغول شد و اکنون استاد گروه مطالعات عالی هنر دانشگاه تهران است. او به جز نقاشی، در عرصه هنر گرافیک، فیلم مستند و همچنین امور پژوهشی و ترجمه و تألیف و نگارش کتاب و مقاله فعالیت داشته و دارد.

رئیس دانشکده هنرهای تجسمی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران، رئیس گروه تخصصی هنرهای تجسمی فرهنگستان هنر، مشاور موزه هنرهای معاصر تهران، طراح و مشاور چندین نمایشگاه ملی و بین‌المللی، عضو شورای سیاستگذاری، هیأت انتخاب و داوری رقابت‌ها و رویدادهای مختلف هنری، سردبیری چندین نشریه تخصصی، تألیف و ترجمه چندین جلد کتاب، چاپ ده‌ها مقاله در نشریات پژوهشی داخلی و خارجی، استاد راهنما و مشاور ده‌ها رساله دکتری و پایان‌نامه، برپایی نمایشگاه‌های انفرادی و حضور در نمایشگاه‌های گروهی داخلی و خارجی، شرکت در رقابت‌های ملی و بین‌المللی و کسب عناوین متعدد از جمله دریافت دیپلم افتخار از نمایشگاه بین‌المللی گرافیک مسکو و ... از دیگر فعالیت‌های این هنرمند است.

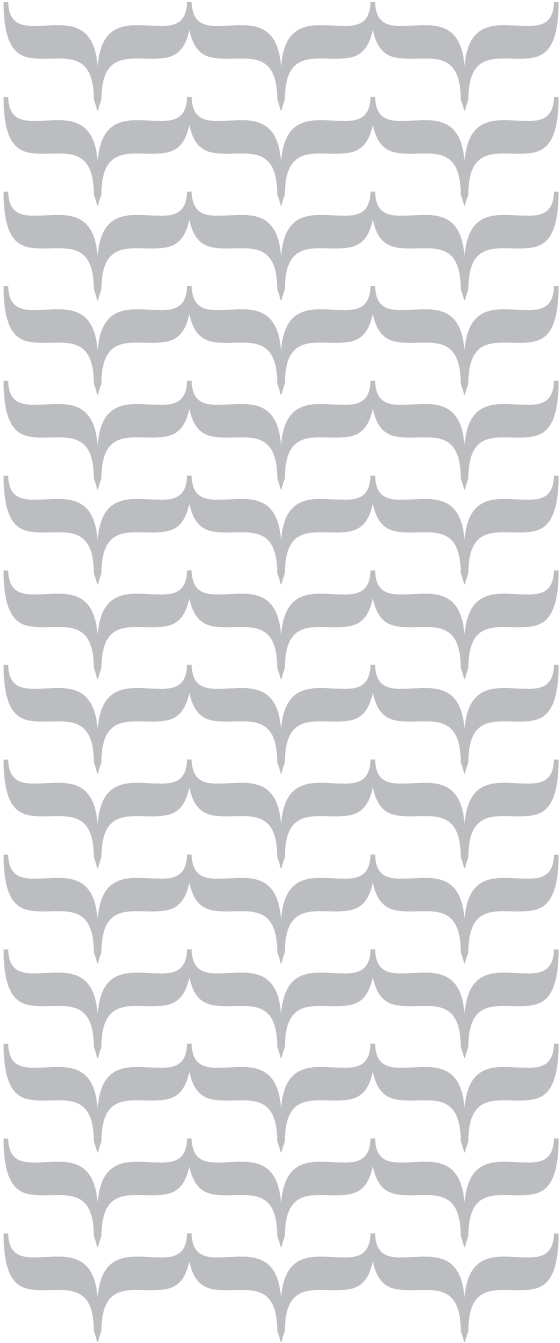
شهید یسعفه شهید

إن سألوک عن غزۃ
قل لهم:
بها شهید،
یسعفه شهید،
و یصوره شهید،
و یودعه شهید،
و یصلي علیه شهید.
محمود درویش

شهیدی است که شهیدی آن را حمل می کند

اگر از تو درباره غزه پرسیدند ...
بگو به آنها:
در آن جا شهیدی است،
که شهیدی آن را حمل می کند،
و شهیدی از وی عکس می گیرد،
و شهیدی او را بدرقه می کند،
و شهیدی بر وی نماز می خواند.





E se ti chiedono di Gaza....
Di' loro: in esso c'è un martire
portato da un martire
e fotografato da un martire
mandato via da un martire
e pregato da un martire."

C'è un martire portato da un martire

Mahmoud Darwish

And if they ask you about Gaza
Tell them: In it there is a martyr
carried by a martyr
and photographed by a martyr
sent off by a martyr
and prayed for by a martyr.



Mostafa Goudarzi, acrylic on canvas, 140X100 Cm, winter 2023- 24
Mostafa Goudarzi, acrilico su tela, 140X100 cm, Inverno 2023-24

© Nam Art & Cultural organization

In It There is a Martyr Carried by a Martyr

Sublimity

In a land created for peace

The artist speaks for those who are not able to speak. This is the words of the renowned Russian film director Andrei Tarkovsky, who sees the artist as a prophet. The artist creates “beauty” together with morality. But what if the artist is not able to speak? What if it is beyond the artist’s ability and capacity? If an author, painter, or filmmaker intends to express the grief in Gaza, he will not be able to express this event through art and speech. Nevertheless, our teachings offer a more comprehensive definition of art, equating it to performing high deeds. In the utopia of the Western, Eastern, and Islamic philosophers, art is valuable when it conveys great virtues; these virtues are best manifested in the martyrdom of thousands of innocent little children. Is there anything in their martyrdom rather than “sublimity”?

This marks the difference between the “beautiful” and the “sublime,” as discussed by philosophers like Lyotard. According to this 20th-century philosopher, some events are felt and understood but cannot be expressed, and it is the artist’s job to represent them. His theory includes infinite experiences like faith, hope, glory, wonder, praise, fear, death, etc., which refer to the unforgettable,

unbearable, and, above all, thought-provoking issues. To Lyotard, the sublime takes on meaning by displaying the inexpressible and the emotions whose greatness and power are beyond human imagination.

From this point of view, the art of the exhibited Iranian artists—Morteza Asadi, Kazem Chalipa, Gholam Ali Taheri, Abdolhamid Ghadirian, and Mostafa Goudarzi—takes on greater importance, offering a unique experience of the aesthetics of the sublime. Representing elements of pure art is one of the three features that Kandinsky considers necessary for creating any work of art. The painter and art theorist believes that every work of art must also be the child of his age and reflect the artist’s experiences. To Kandinsky, offering a personal style is the last feature of a work of art. These three features are well manifested in the works of these artists to convey the images of the sublime to the children of Gaza and posterity.

Amir Abdolhoseini
Art Director, Researcher, and Instructor
Senior Curator of Iran Pavilion
at the 60th Venice Art Biennale

Some events are felt
and understood but
cannot be expressed,
and it is the artist's
job to represent them

alcuni eventi sono
sentiti e compresi ma
non possono essere
espressi,
ed è compito dell'artista
rappresentarli

Borderless Art

The Islamic Republic of Iran Statement
at the 60th Venice Art Biennale

Humans are all children of Adam and Eve and come from the same roots and family. Our joys and sorrows are shared; any country's suffering, pain, and oppression are bitter to all humans, while any blossom of happiness will bring joy to all humanity. As said in a poem by the Iranian poet Saadi Shirazi:

Of One Essence is the Human Race,
Thusly has Creation Put the Base.
One Limp impacted is sufficient,
For all Others to feel the Mace.

Following the central theme of the 60th Art Biennale, "Foreigners Everywhere," the Islamic Republic of Iran presents its exhibition under the title *Of One Essence is the Human Race*, to highlight that the true value of art lies in respecting humanity, displaying justice, and not easily neglecting the human's anguish.

These days, what Palestine is enduring has grieved the world. What is taking place in this part of the world is genocide and crime against humanity. Palestinian helpless children are spending their days with bombs, missiles, killings, starvation, homelessness, and fear only because they were born in their homeland, Palestine. How could we remain indifferent in such circumstances?

Believing that *Of One Essence is the Human Race*, we have employed a tangible artistic expression as a shout of rage at this unprecedented oppression to present a part of this suffering inflicted on our fellow human beings.

In the Iranian Pavilion, we seek to blur geographical boundaries and look at these sad moments of history through the lens of humanity, by presenting innovative works with new concepts, the installation immersing the audience in different circumstances, or the virtual reality challenging physical phenomena, as well as the images reflected in the Iranian mirror art shedding lights of hope on the darkness of today's world. These are small examples of Iranian art that have broken the boundaries to convey a message from the heirs to the 8000 years of civilization, placed within the walls of a structure in the historical city of Venice.

There will be a day without oppression and pain; the unreal borders will disappear, and a new world will gather around the true savior.

Mohammad Khorasanizadeh
Commissioner of the Iran Pavilion
at 60th Venice Art Biennale

Of One Essence
is the Human Race,
Thusly has Creation
Put the Base
One Limp impacted
is sufficient,
For all Others to
feel the Mace

Gli esseri umani sono
membri di un tutto,
Nella creazione di
un'unica essenza e anima
Se un membro è
afflitto dal dolore,
Rimarranno altri
membri a disagio



The Islamic Republic of Iran Pavilion at the 60th Venice Art Biennale

Commissioner: Dr. Mohammad Khorasanizadeh

Senior Curator: Amir Abdolhoseini

Curator: Shoaib Hoseini Moghaddam

Planning & Financial Affairs: Jafar Vahedi

Artists: Morteza Asadi, Kazem Chalipa, Gholam Ali Taheri,
Abdolhamid Ghadirian, Mostafa Goudarzi

Mirrors of Light: Mohammad Amin Owji, Maryam Safaei

Virtual Reality: Hamid Shahinpoor

Graphic Designer: Saber Sheykh Rezaei

The Executive Team: Ehsan Barzin, Nasser Behizadian

Roozbeh Soltanmohammadi, Shahin Zamani Tehrani,

Naghi Namini

Organizers:

General Department of Visual Arts Office,

Ministry of Culture & Islamic Guidance

Tehran Museum of Contemporary Art (Tmoca)

Contributors:

Contemporary Visual Arts Development Institute

The Visual Arts Center of the Artistic Sect of the Islamic Republic

www.venicebiennale.ir

**"Of One Essence
is the Human Race"
Thusly has Creation
Put the Base**

The Islamic Republic of Iran Pavilion
at the 60th Venice Art Biennale